

عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع و خشونت بین فردی در بین جوانان پسر ۱۸-۳۰ سال شهر همدان (مورد مطالعه: منطقه خضر و اسلام شهر همدان)

مصطفی زارعی^۱، جواد منظمی تبار^۲، مهدی اسدیگی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع و خشونت بین فردی جوانان پسر مناطق خضر و اسلام شهر همدان انجام پذیرفت. روش تحقیق پژوهش حاضر، پیمایشی بوده و جامعه آماری آن جوانان پسر ۱۸-۳۰ سال مناطق خضر و اسلام شهر که تعداد آنان ۶۰۰۰۰ نفر بوده و با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۲ نفر با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش دو پرسشنامه که یکی از آن‌ها به صورت محقق ساخته برای بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش جوانان پسر به نزاع و همچنین برای بررسی متغیر وابسته پژوهش (خشونت و پرخاشگری) از پرسشنامه استاندارد پرخاشگری باس و پری استفاده گردید که برای تعیین روایی آن‌ها از روایی صوری و همچنین برای به دست آوردن پایایی آن‌ها از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شده است. که مقدار آن‌ها ۰/۹۱ محاسبه گردید. در این پژوهش، جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و تحلیل واریانس یک طرفه در محیط نرم افزار spss استفاده گردید که یافته‌های پژوهش نشان داد؛ رابطه معناداری بین تأهل، قومیت، تعامل با خانواده، تعامل با دوستان، تعهد به هدف‌های مرسوم جامعه، تعهد به درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره و تعهد به ارزش‌های اجتماعی با متغیر وابسته نزاع و خشونت بین فردی وجود دارد؛ در حالی که این رابطه بین متغیرهای سن، تحصیلات و شغل با متغیر وابسته معنادار نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: نزاع و خشونت بین فردی، تعهد به خانواده، تعهد به دوستان، تعهد به ارزش‌های اجتماعی.

۱- کارشناسی ارشد پیشگیری اجتماعی از جرم - دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسؤل) hagh1212@gmail.com

۲- دکترای جامعه‌شناسی سیاسی - دانشگاه علامه طباطبائی

۳- کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی - دانشگاه آزاد اسلامی همدان

مقدمه

صاحب نظران معتقدند آسیب‌های اجتماعی^۱ ناشی از روابط ناسالم انسانی است که بنیان‌های جامعه را به‌طور جدی تهدید می‌کند و مانع تحقق نیازمندی‌ها و تقاضاهای افراد کثیری می‌گردد. به نظر می‌رسد آسیب اجتماعی وقتی به وجود می‌آید که نهادهای تنظیم‌کننده روابط بین افراد با شکست روبرو شده و دچار تزلزل شوند، که نتیجه آن، شکل‌گیری شکاف‌های عمیق بین افراد است. در چنین وضعیتی، قوانین تنظیم‌کننده روابط انسان‌ها مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند و متزلزل می‌شوند؛ زیرا قانونمندی و پذیرش قانون، ریشه در ساختارهای جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومی قابل بررسی است (کلانتری، ربانی و صداقت، ۱۳۸:۷۰۲).

نزاع^۲ به‌عنوان یک آسیب اجتماعی، عمدتاً ناظر به پدیده ضرب و شتم میان حداقل دو نفر می‌باشد و تعریف اصطلاحی آن عبارت است از کنش جمعی دو یا چند نفر که به قصد آسیب رساندن به انسان دیگری صورت می‌گیرد. این آسیب ممکن است جسمی یا روحی، فردی یا جمعی و جانی یا مالی باشد (خراطها و جاوید، ۱۳۸۵:۱۰).

پدیده نزاع و درگیری در جامعه، از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. این پدیده در کشور ما که دارای بافت جمعیتی چند قومیتی می‌باشد، به‌عنوان پدیده‌ای مسأله‌ساز ظاهر می‌شود. پدیده نزاع‌های فردی در مناطقی از کشور که به شدت متأثر از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای خود می‌باشند و گرایش و پابندی کمتری نسبت به قانون دارند، بیشتر مشهود

است. از سوی دیگر، متأسفانه هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود. در جامعه امروز به دلایلی چون گسترش فقر، عدم توجه به مسائل معنوی و انسانی و گرایش به خوشگذرانی‌ها، سقوط خانواده و ارزش‌های تربیتی و بالآخره گسترش ماشینیسیم، سبب بدبینی و ترس از آینده و درنهایت خشونت و پرخاشگری شده است. تردیدی وجود ندارد که وجود خشونت در جامعه می‌تواند آسیب‌های جدی جسمی و روانی را به افراد و خسارت‌های بزرگی را به اموال وارد آورد و هنگامی که اشاعه یابد می‌تواند آسیب‌های عمیقی را بر روابط اجتماعی وارد سازد (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳).

خشونت، مفهومی وسیع و دارای معانی گوناگونی است و هر جامعه طیفی از خشونت‌های خاص و پذیرفتنی را در درون خود مشخص کرده و حساسیت خود را متوجه انواع دیگر این پدیده می‌سازد. منظور از خشونت در این تحقیق رفتاری است که به قصد آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر، توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی‌های طرف مقابل و قتل او گسترده است. با توجه به اینکه دوران ۳۰-۱۸ سال دوران جوانی محسوب شده و در این دوران فرد دیگر وابسته‌خو نمی‌باشد، استقلال‌طلب است و از تعلق و وابسته بودن گریزان بوده و می‌خواهد خود بیندیشد، خود تصمیم بگیرد و خود رفتار نماید. بنابراین، حس استقلال‌طلبی و برتری‌جویی در جوان ایجاد خلاء می‌کند و به دنبال آن مواجهه با بحران‌های مختلف اعم از بحران شخصیت یا هویت، بحران روابط اجتماعی، بحران خانواده، بحران جنسی و بحران کار در سن جوانی، به نوعی او را در فشار قرار می‌دهد. همچنین، با توجه به اینکه یکی از اساسی‌ترین خصائص بیولوژیکی جوان نیز، در فشار بودن و در نتیجه پرخاشگری است و کارکرد سیستم زیستی و التهابات و غرایز مختلف نیز به نوعی او را در

فشار قرار می‌دهند، رفتار پرخاشگرانه در وی تقویت می‌گردد؛ بنابراین لزوم تحقیق در این رنج سنی پراهمیت می‌باشد (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۸: ۱۳۹۵). با نگاهی به آمار جرایم می‌توان گفت که خشونت و نزاع بین فردی در ایران و به خصوص در شهر همدان در حد بالایی است. آمارهای ارائه شده در رابطه با وقوع و کشف جرایم در طی سال ۱۳۹۵، از فرماندهی نظامی استان همدان نشان می‌دهند که در سال ۱۳۹۵، ۱۱۵۹۷ مورد و در شش ماهه اول سال ۱۳۹۶، ۶۱۲۰ مورد نزاع و درگیری فردی رخ داده است. بنابر آمارها، جرایم خشونت و نزاع و درگیری رو به فزونی دارد و بررسی علل این جرایم یک نیاز فوری است. بر اساس آخرین برآورد اجتماعی انجام شده در سال ۹۶ که نتیجه نظرسنجی احساس امنیت استان، آمار جرایم و برآورد سطح اول استان می‌باشد، نزاع و درگیری فردی به عنوان یکی از جرایم و آسیب‌های احصاء شده شهرستان همدان می‌باشد که لزوم توجه وافر مسؤولین نظامی و اجتماعی شهرستان و استان را می‌طلبد (گزارش مطالعاتی ۱۹۴).

براین اساس، یکی از مهم‌ترین الگوهای نظری که می‌توان، خشونت و نزاع را با آن مورد واکاوی قرار داد، الگوی نظری هیریشی تحت عنوان نظریه پیوند می‌باشد. این الگو، پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه برمی‌شمرد. نتیجه‌ای که هیریشی از تحلیل خویش می‌گیرد آن است که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قوی، وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا گروهی قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند. هیریشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: (۱) وابستگی؛ (۲) تعهد؛ (۳) درگیری؛ (۴) باورها (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۱۰).

۱- **وابستگی:** عنصر وابستگی، بیانگر میزان وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی است. به نظر هیرشی، کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات آنان را در نظر می‌گیرند و با احساس مسؤولیت نسبت به این افراد و حفظ ارتباط با آنها عمل می‌کنند. ایشان بر همین اساس، یادآور می‌شود که افراد فاقد این وابستگی، نگران آن نخواهند بود که روابط اجتماعی آنان به خطر افتد. بنابراین بیشتر احتمال دارد که به کجروی روی آورند (ساید، ۲۰۱۴: ۱۷۴-۱۷۶).

۲- **تعهد:** از نقطه نظر هیرشی در بعد جامعه‌شناختی، مفهوم خود در روان‌شناسی را دارد. عنصر تعهد، بیانگر میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و همچنین احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه بر دوش خود احساس می‌کند. به عبارت دیگر، هیرشی بر آن است نشان دهد که هر قدر فرد در محیط‌هایی مانند محیط تحصیل، اشتغال، خانه و مانند آن، نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری در خصوص کنش‌های موافق با جامعه احساس کند، دلیل بیشتری خواهد داشت که برای حفاظت از دستاوردهای خود با دیگران، هم‌نوا بماند و در مقابل، کسانی که نیاز کمتری به این سرمایه‌گذاری احساس می‌کنند، خطر و ضرر کمتری را نیز در ارتکاب جرم می‌بینند و حتی ممکن است در پی به دست آوردن فرصتی برای سود بردن از آن برآیند (ساید، ۲۰۱۴: ۱۷۴-۱۷۶).

۳- **درگیری:** عنصر درگیری، بیانگر میزان مشارکت افراد در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است، به نظر هیرشی، کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و ... هستند، معمولاً فرصت کمتری برای درگیر شدن در رفتارهای کجروانه دارند. در عین حال به نظر او، همین مشارکت، فرد را در معرض انواعی از اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار می‌دهد که افراد مرتبط با او، بر او اعمال می‌کنند. به همین نحو، آشکار است کسانی که در فعالیت مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند،

فرصت و آزادی عمل بیشتری نیز برای دست یازیدن به رفتارهای کجروانه می یابند (هاینی، سیلور و تیسداال، ۲۰۰۶: ۹۸).

۴- **باورها (اعتقاد):** عنصر باور نیز بیانگر میزان اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی، باور او نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری وی به آن‌هاست، به نظر هیرشی، اگر فردی جداً این باور را داشته باشد که درگیر شدن در گونه‌هایی خاص از رفتارها کار درستی نیست، مشارکت در آن رفتارها برای او دور از تصور خواهد بود. درمقابل، کسانی که اعتقاد و وفاداری ضعیفی نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی دارند، ممکن است تمایل بیشتری به نادیده گرفتن آن‌ها داشته و بیشتر به کجروی مبادرت ورزند (هاینی و همکاران، ۲۰۰۶: ۹۹).

از دیدگاه تئوری هیرشی، نزاع فردی مانند دیگر اشکال بزهکاری، معلول کاهش و فقدان نظارت و کنترل اجتماعی است. زمانی که کنترل اجتماعی تضعیف می‌گردد، متقابلاً یکپارچگی اجتماعی دستخوش زوال و نقصان می‌شود که این خود به کاهش اقتدار ناشی از یکپارچگی منجر شده و بالاخره در اثر آن توانایی پیشگیری مؤثر از بزهکاری و انحراف نقصان‌یافته، احتمال بروز کژرفتاری افزایش می‌یابد (پورچیت‌ساز، ۱۳۸۲).

بنابر آنچه گفته شد، توصیف نزاع و تبیین علل و عوامل آن هم از لحاظ کمی و کیفی و هم از لحاظ علمی و اجتماعی اهمیت دارد؛ زیرا از لحاظ علمی نزاع‌ها مسأله‌ای اجتماعی، واقعی، قانونمند و قابل شناخت محسوب می‌شوند و از لحاظ اجتماعی نزاع‌ها به مثابه یکی از موانع توسعه اجتماعی- انسانی و برنامه‌ریزی در جهت رفع این مسأله و پیشگیری از وقوع و بررسی پیامدهای امنیتی و انتظامی نزاع فردی و دسته جمعی، بسیار ضروری تلقی می‌شود. به همین دلیل، هرگونه اقدام عملی در زمینه پیشگیری از این مسأله نیازمند شناخت علمی و دقیق زمینه‌ها و عوامل مساعدکننده آن است و این امر چیزی است که فقط با پژوهش روشمند

حاصل است (میرفردی و صادق‌نیا، ۱۳۹۱: ۵۶). بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که: عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع و خشونت بین فردی در بین جوانان پسر ۱۸-۳۰ سال مناطق خضر و اسلامشهر در شهر همدان در سال ۱۳۹۶ کدام است؟ و لذا در این بخش (در صفحه بعد) به جهت تبیین بهتر موضوع مورد مطالعه، به پژوهش‌های متعددی که با عناوین مختلف در رابطه با موضوع مطرح شده انجام گرفته‌اند اشاره می‌شود:



موضوع	نویسنده و سال	نتیجه‌گیری
بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهر اهواز	حسین‌زاده، نواح و عنبری (۱۳۸۹)	از مجموع متغیرهای مستقل، متغیر تعلق به جامعه قبیله‌ای بیشترین تأثیر را بر متغیرهای مستقل داشته است.
عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع فردی (مطالعه موردی شهرستان - های منتخب استان ایلام)	ربانی، عباس- زاده و نظری (۱۳۹۱)	گرایش به نزاع در بین جامعه مورد بررسی متوسط به بالا بوده، تأثیر کل متغیرهای پرخاشگری و قوم‌گرایی (به میزان برابر) بر متغیر گرایش به نزاع فردی، بیش از سایر متغیرها بوده و تأثیر متغیر کنترل اجتماعی بر گرایش به نزاع فردی، کاهش داده است.
بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در وقوع نزاع دسته جمعی در شهرستان شاهرود	میرساد و مرتضی (۱۳۹۱)	متغیرهای کنترل اجتماعی پلیس، تعریف مثبت نزاع در سطح یک درصد و فیزیک افراد در سطح ۵ درصد معنی‌دار بود. از طرفی متغیر کنترل اجتماعی والدین همبستگی منفی و معنی‌داری با نزاع دسته جمعی نشان داد.
بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان خدابنده	شریعی و همکاران (۱۳۹۱)	بین متغیرهای اختلافات ملکی، خانوادگی، عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی و عوامل فرهنگی - تاریخی و گرایش به نزاع دسته جمعی در شهرستان خدابنده رابطه معناداری وجود دارد.
بررسی عوامل جرم‌شناسی نزاع دسته جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد	اسدپور و درستی (۱۳۹۱)	مهم‌ترین یافته‌های پژوهش در بروز نزاع دسته جمعی عبارت‌اند از گرایش به مسائل قومی و طایفه‌ای، تعصب بی‌جا، عدم توجه به قانون و فرهنگی که از ابتدا به صورت غلط و نادرست در میان افراد نهادینه شده که علت عمده آن بیشتر به خاطر بن بست بودن منطقه است.
گونه‌شناسی نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان بویراحمد	میرفردی و صادق‌نیا (۱۳۹۱)	جوانان، مردان، مجردها، روستائیان و افراد دارای پایگاه اقتصادی پایین، به میزان بسیار بالایی در نزاع‌های دسته‌جمعی شرکت داشته‌اند؛ افراد دارای تحصیلات زیردیپلم و بی‌سواد ۶۴ درصد نزاع‌های جمعی را به خود اختصاص دادند. بیشتر نزاع‌ها در روستاها رخ داده و در شهرها نیز اکثر نزاع‌ها در معابر عمومی شهر رخ داده‌اند. در زمینه‌های بروز درگیری بین گروه‌ها، مسائل ملکی-زراعی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند و بعد از آن نیز شوخی‌ها و بی‌احترامی‌های کلامی، مسائل مالی، اختلافات قدیمی، ناموسی، خانوادگی و ... در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند.
بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه	واحدی و همکاران	رابطه متغیرهای سن، احساس انومی، گرایش قومی و قبیله‌ای، خاستگاه خانوادگی و کنترل اجتماعی با نزاع تأیید شد، ولی رابطه

متغیرهای پایگاه اجتماعی و محرومیت نسبی با نزاع تأیید نشد.	(۱۳۹۲)	شهروندان در سال ۱۳۹۲ (مطالعه مورد شهر خوی)
افراد با تحصیلات پایین‌تر تمایل بیشتری نسبت به نزاع دارند و افراد متأهل و افراد مجرد از نظر میزان گرایش و تمایل به نزاع تفاوت معناداری داشته اند.	افشانی و همکاران (۱۳۹۴)	بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد
بین متغیرهای انسجام اجتماعی، مسأله‌ی ناموسی، تقسیم به گروه خودی و غیر خودی، کمیابی منابع، جامعه‌پذیری، معامله‌ی اجتماعی و ضعف بازدارندگی بیرونی با گرایش به نزاع طایفه‌ای رابطه معنادار و با متغیر محرومیت نسبی و کنترل اجتماعی با نزاع طایفه‌ای معنادار نبوده است.	شاطریان، نیازی و عشایری (۱۳۹۴)	عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع طایفه‌ای (مورد مطالعه: عشایر ایل پیچیک، شهرستان اهر)
افراد زمانی که از راهبرد احساسی در مواجهه با مشکلات استفاده می‌کنند، پرخاشگری بیشتری از خود در تهاجم، خشم و کینه‌توزی نشان می‌دهند. اما دو راهبرد دیگر (عقلانی و اجتنابی) برای این ابعاد معکوس می‌باشند، زیرا افرادی که راهبرد اجتنابی از خود نشان می‌دهند، دلیلی برای پرخاشگری نمی‌بینند، بلکه آن‌ها از این رفتار به این خاطر کناره می‌گیرند که قدرت رویارویی با آن را ندارند در حالیکه برای بعد عقلانیت افراد سعی دارند با موانع مقابله کنند، آن هم نه از طریق خشونت و پرخاشگری، بلکه با منطقی عقلانی و صحیح.	لهسانی‌زاده و مرادی (۱۳۹۵)	بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله و رفتار پرخاشگرانه جوانان
بین میزان خشونت و پرخاشگری و وضعیت اقتصادی- اجتماعی مردان رابطه معنی داری وجود دارد و همچنین بین ادارات و سازمان‌ها، رسانه و قومیت با میزان خشونت و پرخاشگری رابطه معنی داری وجود دارد؛ ولی بین سن مردان شهرستان شیروان با میزان خشونت و پرخاشگری رابطه معنی داری وجود ندارد.	امیرپور و مکرمی (۱۳۹۶)	بررسی میزان گرایش به خشونت و پرخاشگری در مردان شهرستان شیروان و عوامل مؤثر بر آن
متغیرهای عدم دلبستگی به والدین، عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان، بد رفتاری والدین با فرزندان، تضاد والدین با هم، داشتن دوستان بزه‌کار، عدم پابندی به دستورات اخلاقی، تنبیه در مدرسه و سخت‌گیری والدین با خشونت دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنی داری داشتند.	علمی، تیغ‌زن و باقری (۱۳۹۶)	تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن
در درگیری‌های دسته‌جمعی، منافع شخصی یا گروهی برای منزلت، جایگاه، و اعتبار اجتماعی، دفاع از همبستگی و انسجام و اتحاد گروهی و قومی قبیله‌ای، فشارهای اقتصادی و شخصی،	ریمان و ویلسون (۲۰۰۴)	مشکلات اجتماعی جامعه‌شناسی

ساختار خانوادگی، سطح و میزان فقر و تهیدستی از جمله عوامل دخیل به شمار می‌آیند و اغلب مردان حضور چشمگیرتری در این نزاع‌ها دارند.		
وضع نامساعد مناطق با افزایش دادن فرصت‌هایی برای نوجوانان برای مشارکت داشتن در شبکه‌های همسالان خشونت‌گرا، به صورت غیرمستقیم بر خشونت آنان مؤثر است.	هاین، سیلور و تسدال (۲۰۰۶)	تأثیرات منطقه و شبکه‌های همگانی در خشونت نوجوانان
زندگی در مناطق نامساعد، بر خشونت جوانان تأثیرگذار است و الگوی روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، همچنین سرمایه‌ی اجتماعی در این مناطق پایین است.	دی‌کوستر، هیمر، کارن و ویتروک (۲۰۰۶)	تأثیرات منطقه و سرمایه اجتماعی بر وضعیت تنش و خشونت جوانان
جوانان ساکن در مناطق بی‌سازمان، پیوندهای اجتماعی ضعیفی دارند و ضعف خویشتن‌داری با گروه‌هایی که تعاریف بزهکارانه داشتند همبستگی داشت و رفتار خشونت‌آمیز محصول نظارت اجتماعی ضعیف است که به محیطی که این افراد در آن ساکن بودند مربوط می‌شد.	وول (۲۰۰۷)	آزمون جزئی یک مدل تلفیقی نظارت: بافت منطقه، نظارت اجتماعی، خویشتن‌داری و رفتار خشونت‌آمیز جوانان
علت اصلی قتل زنان و کودکان در جنگ طایفه‌ای بیشتر در تحریک احساسات طایفه‌ای و فقدان نظارت اجتماعی است؛ سایر علل شامل: زندگی طایفه‌ای، فقدان منابع کافی برای گذران معیشت، مسائل ناموسی و شدت یافتن رقابت‌های گروهی.	رایس (۲۰۰۹)	علت اصلی قتل زنان و کودکان در جنگ‌های طایفه‌ای
بین عدم دسترسی به زمین مناسب برای کشت و کشاورزی، دامداری و شبنای و نبود آب کافی، عدم حمایت دولت، ضعف نظام سنتی و نزاع جمعی رابطه وجود دارد.	موتو (۲۰۱۱)	شبنای و نزاع در کشورهای شاخ آفریقا
وجود آداب و رسوم مختلف و نمادها و فرقه‌گرایی عامل درگیری و نزاع در روستای مویل است؛ همچنین تغییرات اداری به تصویب رسیده در خصوص ساخت و ساز، تنش‌ها و نزاع‌ها را در آینده دو چندان می‌کند.	ساید (۲۰۱۴)	بررسی تعارض روستایی: آداب و رسوم، نمادها و مراسم بزرگداشت

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع و خشونت بین فردی در بین جوانان پسر ۳۰-۱۸ سال مناطق خضر و اسلام شهر همدان کدام است؟

سؤالات فرعی

۱. به چه میزان بین تعامل با خانواده و خویشاوندان با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی تأثیر وجود دارد؟
۲. به چه میزان بین تعامل با دوستان با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی تأثیر وجود دارد؟
۳. به چه میزان بین تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی تأثیر وجود دارد؟
۴. به چه میزان بین مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی تأثیر وجود دارد؟
۵. به چه اندازه بین میزان تعهد به ارزش‌های اجتماعی با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی تأثیر وجود دارد؟

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی - پیمایشی استفاده شده است. پیمایش عبارت است از جمع‌آوری اطلاعات که با طرح و نقشه و به عنوان راهنمای عمل توصیف یا پیش‌بینی و یا به منظور تجزیه و تحلیل روابط برخی متغیرها صورت می‌گیرد (اهدایی، ۱۳۸۰: ۵۵). همچنین، برای تدوین چارچوب نظری تحقیق و مروری بر تحقیقات پیشین، از روش‌های کتابخانه‌ای (اسنادی) استفاده شده است و نهایتاً این‌که این مطالعه از لحاظ هدف، کاربردی، به لحاظ معیار زمان، مقطعی و به لحاظ معیار ژرفایی، پهن‌اگر است. در این پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات از

طریق پرسشنامه می‌باشد. برای بررسی عوامل اجتماعی بر گرایش جوانان پسر به نزاع و خشونت بین فردی از پرسشنامه ۶۹ سؤالی و دو قسمتی استفاده شد. برای بررسی متغیرهای مستقل پژوهش، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته و برای بررسی متغیر وابسته پژوهش (خشونت و پرخاشگری) از پرسشنامه استاندارد پرخاشگری باس و پری استفاده گردید که شامل پرسش‌های تخصصی درمورد عوامل اجتماعی گرایش جوانان پسر به نزاع و خشونت بین فردی در ۶ حیطه‌ی میزان تعامل با خانواده و خویشاوندان (۸ پرسش)، میزان تعامل با دوستان (۸ پرسش)، میزان تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه (۸ پرسش)، میزان مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره (۸ پرسش)، میزان تعهد به ارزش‌های اجتماعی (۸ پرسش) و بررسی میزان پرخاشگری (۲۹ پرسش) بود. پاسخ پرسش‌ها با مقیاس ۵ گزینه‌ای طیف لیکرت به صورت خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴)، تا حدودی (۳)، کم (۲) و خیلی کم (۱) مورد سنجش قرار گرفت؛ البته سؤالات ۴ و ۷ در قسمت تعامل با خانواده و خویشاوندان به صورت معکوس نمره‌گذاری شده است. پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲) نیز شامل ۲۹ سؤال است که براساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ تا ۵ درجه‌بندی شده است. در این پژوهش، جهت سنجش اعتبار سؤالات پرسشنامه، از اعتبار صوری استفاده شد؛ بدین صورت که پرسشنامه به اساتید محترم راهنما و مشاور و ۵ نفر از خبرگان اهل فن، ارائه شد و نظرات آن‌ها در مورد پرسشنامه اعمال گردید، سؤالات نامرتبط حذف و سؤالات نزدیک به تحقیق برگزیده شد. همچنین، برای محاسبه ضریب پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ بهره‌برداری گردید که میزان پایایی ابزارهای موردنظر ۰/۹۱ به دست آمد. جدول شماره (۱) نشان می‌دهد برای تمام متغیرهای مورد سنجش، مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۰ می‌باشد که گویای این واقعیت است که سؤالات پرسشنامه از انسجام درونی مناسبی برخوردار هستند.

جدول ۱- میزان آلفای کرونباخ (پایایی) گویه‌های هرطیف

میزان ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه	متغیرها
.۷۸۴	۸	تعامل با خانواده و خویشاوندان
.۷۵۱	۸	تعامل با دوستان
.۸۴۶	۸	تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه
.۷۶۸	۸	تعهد به مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره
.۸۸۲	۸	تعهد به ارزش‌های اجتماعی
.۹۰۱	۲۹	نزاع و خشونت بین فردی (پرخاشگری)

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی نظیر؛ فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون و تحلیل واریانس یک‌طرفه در محیط نرم افزار spss23 استفاده شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه‌ی جوانان پسر ۳۰-۱۸ سال منطقه اسلام‌شهر و خضر در شهر همدان در سال ۱۳۹۶ است که ۶۰۰۰۰ نفر (۳۰۰۰۰ نفر در منطقه اسلام‌شهر، ۳۰۰۰۰ نفر در منطقه خضر) می‌باشند (گزارش ثبت‌احوال همدان، ۱۳۹۶). تعداد افرادی که در این تحقیق مورد پرسش قرار گرفت، بر اساس فرمول کوکران برابر ۳۸۲ نفر بودند. در این تحقیق، روش نمونه‌گیری جهت دستیابی به نمونه‌ی پژوهشی معرف، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد. در واقع، در پژوهش حاضر ابتدا از بین دو منطقه خضر و اسلام شهر، از هر منطقه چهار ناحیه مختلف (شمال، جنوب، شرق و غرب) انتخاب و سپس از بین هر ناحیه، چندین محله در نظر گرفته و به صورت تصادفی پرسشنامه بین جوانان پسر ۳۰-۱۸ ساله توزیع و گردآوری گردید.

یافته‌ها

وضعیت تأهل نمونه آماری: بررسی یافته‌های تحقیق در جدول ۲ نشان می‌دهد که نمونه‌ی آماری، شامل ۲۲۱ نفر مجرد (۵۷/۹ درصد)، ۱۳۴ نفر متأهل (۳۵/۱ درصد) و ۲۷ نفر مطلقه (۷/۱ درصد) می‌باشد که در کل ۳۸۲ نفر می‌باشند.

درصد فراوانی	فراوانی	متغیر	
۵۷/۹	۲۲۱	مجرد	وضعیت تأهل
۳۵/۱	۱۳۴	متأهل	
۷/۱	۲۷	مطلقه	
۱۰۰	۳۸۲	کل	

سن نمونه آماری: بررسی یافته‌های تحقیق در جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین سنی در افراد مورد مطالعه در گروه سنی ۱۸-۲۲ سال ۸۱/۲۶ درصد و انحراف استاندارد ۳۰/۳۵، میانگین سنی در افراد مورد مطالعه در گروه سنی ۲۳-۲۶ سال ۸۳/۳۹ و انحراف استاندارد ۱۶/۷۵ و میانگین سنی در افراد مورد مطالعه در گروه سنی ۲۷-۳۰ سال ۸۲/۸۳ و انحراف استاندارد ۱۹/۱۵ می‌باشد. همچنین، پایین‌ترین سن در نمونه آماری پژوهش ۱۸ سال و بالاترین سن ۳۰ سال می‌باشد.

(جدول ۳-) سن نمونه آماری

سن	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
۱۸ - ۲۲	۱۰۲	۸۱/۲۶	۲۰/۳۵
۲۳ - ۲۶	۱۴۴	۸۳/۳۹	۱۶/۷۵
۲۷ - ۳۰	۱۳۶	۸۲/۸۳	۱۹/۱۵

تحصیلات نمونه‌ی آماری: بررسی یافته‌های تحقیق در جدول ۴ نشان می‌دهد که ۱/۶۰ درصد از افراد نمونه آماری بی‌سواد، ۹/۹ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۴/۹ درصد دارای تحصیلات متوسطه، ۳۱/۲ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۱۳/۴ درصد دارای تحصیلات کاردانی، ۲۱/۲ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و ۷/۹ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر هستند؛ بنابراین مشخص گردید که دیپلم با فراوانی ۱۱۹ بیشترین و بی‌سواد با فراوانی ۶ کمترین افراد نمونه را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۴- تحصیلات نمونه آماری

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
بی سواد	۶	۱/۶
ابتدایی	۳۸	۹/۹
متوسطه	۵۷	۱۴/۹
دیپلم	۱۱۹	۳۱/۲
کاردانی	۵۱	۱۳/۴
کارشناسی	۸۱	۲۱/۲
کارشناسی ارشد و بالاتر	۳۰	۷/۹
کل	۳۸۲	۱۰۰

شغل نمونه آماری: بررسی یافته‌های تحقیق در جدول ۵ نشان می‌دهد که ۱۴/۰۷ درصد از افراد نمونه آماری بیکار، ۴۴/۲ درصد دارای شغل آزاد، ۱۰/۲ درصد دارای شغل کارمند، ۱۷/۳ درصد دانشجو، ۶/۸ درصد کشاورز، و ۶/۸ درصد دارای سایر مشاغل هستند؛ بنابراین، مشخص گردید که شغل آزاد با فراوانی ۱۶۹ بیشترین و کشاورز و سایر مشاغل با فراوانی ۲۶ کمترین افراد نمونه را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۵- شغل نمونه آماری

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
شغل	بیکار	۱۴/۷
	آزاد	۴۴/۲
	کارمند	۱۰/۲
	دانشجو	۱۷/۳
	کشاورز	۶/۸
	سایر	۶/۸
کل	۳۸۲	۱۰۰

قومیت نمونه آماری: بررسی یافته‌های تحقیق در جدول ۶ نشان می‌دهد که ۲۷/۰ درصد از افراد نمونه آماری ترک، ۱۹/۴ درصد کرد، ۹/۲ درصد لر و ۴۴/۵ درصد فارس هستند؛ بنابراین مشخص گردید که قومیت فارس با فراوانی ۱۷۰ بیشترین و لر با فراوانی ۳۵ کمترین افراد نمونه را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۶- قومیت نمونه آماری

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
قومیت	ترک	۲۷/۰
	کرد	۱۹/۴
	لر	۹/۲
	فارس	۴۴/۵
کل	۳۸۲	۱۰۰

تحلیل استنباطی: جهت مقایسه‌ی میانگین بین وضعیت تأهل، شغل و قومیت و گرایش به نزاع و خشونت بین فردی از آماره تحلیل واریانس (آنالیز واریانس) استفاده شده است. مقدار F هر متغیر به ترتیب برابر با ۸/۴۳۵، ۳/۰۰۵ و ۷/۰۶۶

می‌باشد و سطح معناداری هر کدام به ترتیب برابر با $0/0001$ ، $0/11$ و $0/0001$ را نشان می‌دهد، که نتایج حاکی از آن است که بین متغیرهای وضعیت تأهل و قومیت و گرایش به نزاع و خشونت بین فردی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد؛ اما بین متغیر شغل و گرایش به نزاع و خشونت بین فردی رابطه‌ی معناداری به دست نیامده است و نیز جهت بررسی میزان رابطه بین سن و گرایش به نزاع و خشونت بین فردی از ضریب همبستگی پیرسون و بررسی میزان رابطه‌ی معناداری بین تحصیلات و گرایش به نزاع و خشونت بین فردی از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. با در نظر گرفتن ضریب پیرسون ($r=0/030$) و سطح معناداری ($P=0/059$)، رابطه معناداری بین سن با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی وجود نداشت و فرضیه رد شد و با در نظر گرفتن ضریب اسپیرمن ($r=0/084$) و سطح معناداری ($P=0/22$)، رابطه‌ی معناداری نیز بین تحصیلات با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی وجود به دست نیامد.

همچنین، جهت بررسی میزان تأثیر بین تعامل با خانواده و خویشاوندان، تعامل با دوستان، تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه، مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره و تعهد به ارزش‌های اجتماعی با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که با در نظر گرفتن ضریب پیرسون ($r=-0/285$) و سطح معناداری ($P=0/0001$)، رابطه معکوس و معناداری در سطح ۹۵ درصد بین تعامل با خانواده و خویشاوندان با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی وجود دارد و فرضیه تأیید می‌شود. در متغیر تعامل با دوستان، ضریب پیرسون ($r=-0/431$) و سطح معناداری ($P=0/0001$)، رابطه معکوس و معناداری را در سطح ۹۵ درصد نشان می‌دهد و فرضیه تأیید می‌شود. همچنین، با در نظر گرفتن ضریب پیرسون ($r=-0/650$) و سطح معناداری ($P=0/0001$)، رابطه معکوس و معناداری در سطح ۹۵ درصد بین تعهد

به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی وجود دارد و فرضیه تأیید می‌شود. در متغیر مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره نیز با در نظر گرفتن ضریب پیرسون ($r = -0/580$) و سطح معناداری ($P = 0/0001$)، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و فرضیه تأیید می‌شود و نیز با در نظر گرفتن ضریب پیرسون ($r = -0/449$) و سطح معناداری ($P = 0/0001$)، رابطه معکوس و معناداری در سطح ۹۵ درصد بین تعهد به ارزش‌های اجتماعی با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی وجود دارد و فرضیه تأیید می‌شود.

تحلیل رگرسیون چندمتغیره: در این قسمت، تحلیل رگرسیون چند متغیره برای متغیرهای مستقل و متغیر وابسته گرایش به نزاع و خشونت بین فردی برای کل افراد مورد مطالعه آورده شده است. در تحلیل رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش بینی کننده بر اساس اهمیت آن‌ها در تبیین متغیر وابسته، وارد معادله شدند. نتایج آزمون تحلیل رگرسیون در جدول ۷- نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی (تعامل با خانواده، تعامل با دوستان، تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه، تعهد به مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره و تعهد به ارزش‌های اجتماعی) ($P < 0/05$ و $F = 5/634$) به طور معناداری توانایی پیش‌بینی گرایش به نزاع و خشونت بین فردی را دارند.

جدول ۷- خلاصه‌ی تحلیل واریانس برای آزمون معناداری مدل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین و ملاک

مدل	منبع تغییرات	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	مقدار F	سطح معنی داری
۱	رگرسیون	۷۹۵۴/۷۴۱	۸۸۳/۸۶۰	۵/۶۳۴	۰/۰۰۰۱
	باقی مانده	۱۵۰۵۹/۱۱۸	۱۵۶/۸۶۶		
	کل	۲۳۰۱۳/۵۸۵			

با توجه به نتایج جدول ۸- و وزن استاندارد شده بتا، می‌توان گفت یک انحراف معیار تغییر در متغیر عوامل اجتماعی (تعامل با خانواده، تعامل با دوستان، تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه، تعهد به مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره و تعهد به ارزش‌های اجتماعی) به ترتیب باعث $۰/۰۶۶$ ، $۰/۰۸۳$ ، $۰/۴۲۱$ ، $۰/۱۶۶$ و $۰/۱۴۱$ انحراف معیار تغییر در متغیر گرایش به نزاع و خشونت بین فردی جوانان می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که گرایش به نزاع و خشونت بین فردی با عوامل اجتماعی (تعامل با خانواده، تعامل با دوستان، تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه، تعهد به مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره و تعهد به ارزش‌های اجتماعی) رابطه دارد.

جدول ۸- ضرایب رگرسیون پیش‌بینی عوامل اجتماعی بر میزان گرایش به نزاع و خشونت بین فردی

ضریب	B	خطای استاندارد (SE)	بتا	T	سطح معنی‌داری
ثابت	-۸/۹۹۰	۸/۸۸۷		-۰/۰۱۲	۰/۰۰۰۱
تعامل با خانواده و خویشاوندان	-۱/۱۱۵	۰/۷۰۳	-۰/۰۶۶	-۱/۵۸۵	۰/۰۰۰۱
تعامل با دوستان	-۰/۲۴۱	۰/۶۱۳	-۰/۰۸۳	-۰/۳۹۲	۰/۰۰۰۱
تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه	-۱/۰۱۴	۰/۶۳۷	-۰/۴۲۱	-۱/۵۹۳	۰/۰۰۰۱
تعهد به مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره	-۰/۰۴۹	۰/۵۳۶	-۰/۱۶۶	-۰/۰۹۲	۰/۰۰۰۱
تعهد به ارزش‌های اجتماعی	-۲/۲۰۰	۰/۵۶۰	-۰/۱۴۱	-۳/۹۳۲	۰/۰۰۰۱

با توجه به مدل مسیر می‌توان گفت در میان شاخص‌های گنجانده شده در مدل، بیشترین تأثیر مستقیم بر نزاع و خشونت بین فردی از طریق میزان تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه صورت گرفته است. وزن بتا برای این متغیر در مرحله ورود مستقیم ($Beta = -۰/۴۲۱$) بوده است که بیشترین اثر مستقیم را بر روی متغیر وابسته داشته است. دومین متغیر تعهد به مشارکت و درگیر بودن در

فعالیت‌های روزمره است که توانسته است تأثیر معکوسی بر گرایش به نزاع و خشونت بین فردی بگذارد، چنانچه ضریب بتا برای این متغیر برابر $(\text{Beta} = -0/166)$ بوده است. سومین متغیر که به‌طور مستقیم بر متغیر وابسته اثر گذاشته، تعهد به ارزش‌های اجتماعی است. ضریب بتا برای این متغیر $(\text{Beta} = -0/141)$ می‌باشد. چهارمین متغیر که بطور مستقیم بر متغیر وابسته اثر گذاشته، تعامل با دوستان است. ضریب بتا برای این متغیر $(\text{Beta} = -0/083)$ می‌باشد. آخرین متغیری که به صورت مستقیم بر متغیر وابسته اثر گذاشته است، تعامل با خانواده و خویشاوندان می‌باشد که ضریب بتا برای این متغیر $(\text{Beta} = -0/066)$ می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نزاع و خشونت، رفتاری است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است. در کل به رفتاری اطلاق می‌شود که هدفش اعمال آسیب و رنج می‌باشد. به عبارت دیگر رفتاری است که به قصد صدمه رساندن جسمانی یا روانی به فرد دیگر است. در واقع، نزاع برخوردهای جمعی ستیزه‌جویانه و پرخاشگرانه است که به علل گوناگون به‌وجود می‌آیند و موجب جرح و قتل می‌شوند، به بیان دیگر پدیده نزاع و درگیری در جامعه، از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اخلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. این پدیده در کشور ما که دارای بافت جمعیتی چند قومیتی می‌باشد، به‌عنوان پدیده‌ای مسأله‌ساز ظاهر می‌شود. پدیده‌ی نزاع‌های فردی در مناطقی از کشور که به شدت متأثر از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای خود می‌باشند و گرایش و پابندی کمتری نسبت به قانون دارند، بیشتر مشهود است. از سوی دیگر، متأسفانه هنوز خشونت و نزاع از

جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود. نزاع و خشونت یک معضل اجتماعی در جوامع ما می‌باشد که بر زندگی هزاران نفر در هر سال تأثیر می‌گذارد و به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین معضلات اجتماعی است که علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از خشم و نفرت، امنیت انسان را از جنبه‌های مختلف تهدید می‌کند و این موضوع به هر علت و انگیزه‌ای صورت پذیرد و در صورتی که منجر به قتل شود، شرایط و آرامش ساکنان یک شهر را دگرگون می‌سازد و امنیت را دچار خدشه می‌کند. گزارش‌های رسانه‌ها و نتایج پژوهش‌های مختلف در اکثر کشورهای دنیا نیز نشان می‌دهد که خشونت در سال‌های اخیر افزایش یافته و جدی‌تر شده است و شامل طیفی از اعمال عمدی خشن جسمی، روانی، عاطفی و کلامی می‌باشد که تأثیر منفی بر سلامت جسم و روان فرد و درک از خود برجای می‌گذارد (پورچیت‌ساز، ۱۳۸۲: ۶).

مروری بر تحقیقات و مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که مطالعات چندانی که به بررسی ارتباط این مفهوم پرداخته باشند، وجود ندارد. بنابراین سعی شد که به تحقیقات مرتبط با حوزه‌های مختلف موضوع یا نزدیک به آن پرداخته شود. سپس به شرح نظریه‌های مرتبط با آن پرداخته و نظریه‌ی کنترل اجتماعی تراویس هیرشی به‌عنوان نظریه منتخب قرار داده شد. براساس چارچوب نظری هیرشی اقدام به تشکیل مدل تحقیق نموده و براساس مدل تحقیق، یک سری فرضیات استخراج گردید که پنج‌محور کلیدی آن قابل استنباط بوده و از آن این نتایج به‌دست آمد:

تعامل با خانواده و خویشاوندان به‌عنوان یک‌سری از عوامل محیطی در بررسی عوامل تربیتی افراد مؤثر می‌باشند، چرا که خانواده به‌عنوان اولین محیط اجتماعی زندگی افراد بسیار حائز اهمیت می‌باشد و خیلی از چیزها را افراد در سال‌های

اولیه حیات اجتماعی خود در آن می‌آموزند. در واقع، تعامل فرد با دوستان حساسیتی را در شخص نسبت به عقاید دیگران درباره خود به وجود می‌آورد و این وابستگی در حقیقت نوعی قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت معیارهای اجتماعی می‌کند. همچنین افرادی که نسبت به جامعه از تعهد بیشتری برخوردارند، برای حفاظت از دستاوردهای خود و ارزش‌های جامعه، با دیگران هم‌نوا می‌شوند؛ در مقابل کسانی که نسبت به جامعه تعهد کمتری دارند، خطر کمتری در ارتکاب جرم می‌بینند و حتی ممکن است فرصتی برای سود بردن از آن نیز به دست آورند.

بنابراین، اعتقاد و ایمان یعنی وفاداری فرد به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی. اگر مردمی قویاً باور داشته باشند که برخی از رفتارهای انحرافی درست نیست، مشارکت جستن در آن‌ها برایشان دور از تصور است. در مقابل، کسانی که نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی وفاداری ضعیفی دارند، ممکن است تمایل بیشتر داشته باشند که ارزش‌های اجتماعی را نادیده گرفته و از هنجارهای اجتماعی انحراف ورزند، این نتایج به دست آمده با یافته‌های پژوهش‌های قبلی مانند سایید (۲۰۱۴)، موتو (۲۰۱۱)، رایس (۲۰۰۹)، امیرپور و مکرمی (۱۳۹۶)، علمی، تیغ‌زن و باقری (۱۳۹۶)، لهسانی‌زاده و مرادی (۱۳۹۵) و شاطریان، نیازی و عشایری (۱۳۹۴) همسو می‌باشد. بنابراین، بر اساس یافته‌های به دست آمده از این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱- با توجه به وجود رابطه‌ی بین عوامل خانوادگی و گرایش جوانان به نزاع و درگیری پیشنهاد می‌گردد؛ نظارت والدین بر فرزندان بیشتر شده و تا حد ممکن بر رفتارهای فرزندان خود احاطه کامل داشته باشند. ایجاد روابط عاطفی بیشتری بین والدین و فرزندان در این زمینه بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

۲- با توجه به وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین میزان مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی توسعه نهادهای فرهنگی در سطح استان به ویژه سینما، پارک‌های علمی- تفریحی، کتابخانه، فرهنگ سرا و افزایش علاقمندی جوانان به شرکت در فعالیت‌های هنری، ورزشی، و... جهت سوق پتانسیل آن‌ها به سوی فعالیت‌های مفید علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی و... ضروری می‌نماید.

۳- با توجه به وجود رابطه معنی‌دار بین میزان تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی: زمانی که وجود الزامهای اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی زندگی تحمل ناپذیر می‌شود و به بی‌هنجاری می‌انجامد، باید جامعه را نسبت به امور اخلاقی و رعایت اخلاق که از ضروریات دین مبین اسلام است آگاه نمود تا نسبت به رعایت هنجارها و قوانین در جامعه اقدام نمایند. لذا نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی در فرزندان (از طریق ارایه آموزش همگانی در مدارس، مساجد و... توسط نهادهای آموزشی، دینی و مسئولان مربوطه) یک عامل بازدارنده مهم در ارتکاب خشونت می‌باشد.

۴- با توجه به نقش کنترل اجتماعی (بیرونی) در جهت کاهش نزاع و خشونت: تقویت حضور پلیس در نقاط نزاع خیز به صورت مقطعی (افزایش گشت زنی در محلات و منالاطق نزاع‌گر) و دائمی (دایر کردن ایستگاه‌های انتظامی سیار و کانکس‌های پلیس در محلات و چهارراه‌ها پیشنهاد می‌گردد).

۵- با توجه به وجود رابطه بین تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه با گرایش به نزاع و خشونت بین فردی به منظور تقویت انسجام اجتماعی و احساس وابستگی هرچه بیشتر افراد و گروه‌ها به یکدیگر و کلیت جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی، دستگاه‌های اجرایی مختلف از جمله نیروهای انتظامی، آموزش و پرورش، صدا و سیما، مطبوعات استانی و شهرستانی تلاش مضاعف نمایند و این

واقعیت را به مردم القاء نمایند که سرنوشت آنها با سرنوشت جامعه عجین است و هرگونه نابسامانی دراجزای جامعه و فرد، تهدید جدی برای تمام جامعه را در پی خواهد داشت و مردم این مناطق را نسبت به همکاری و همیاری با یکدیگر دعوت نمایند، که با افزایش اینگونه پیوندها شاهد افزایش انسجام اجتماعی و کاهش نزاع در جامعه خواهیم بود.

۶- با توجه به اهمیت کنترل اجتماعی در کاهش نزاع و خشونت فردی: تقویت فعالیت رسانه‌ها به خصوص صدا و سیما و افزایش و ارتقای نظام آموزشی در مسیر ارتقای آگاهی عمومی، موقعیت ارزشمندی را فراهم کرده است تا فرایند جامعه‌پذیری شکل کامل تری به خود بگیرد و خلاءهای این فرایند که در جریان تغییرات شتابان اجتماعی محسوستر و جدی تر شده است، برطرف گردد. فعالیت این دو حوزه برای گسترش آگاهی‌های عمومی، به ویژه آشنایی بیشتر با روندهای قضایی و قانونی، راهکاری برای مهار بسترهای پرخاشگری و نزاع در جامعه می‌باشد.

۷- با توجه به اینکه بیشتر مناقشات بین اقشار جوان رخ می‌دهد، پیشنهاد می‌گردد. در زمینه‌ی تقویت تعامل خانواده و خویشاوندان و همچنین دوستان از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی توسط نهادهای مربوطه شامل مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد و... در جهت افزایش احساس وابستگی هرچه بیشتر افراد خانواده و گروه‌های دوستان به یکدیگر اقدام گردد.

منابع

- آزادارمکی، محمد تقی. (۱۳۸۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی. انتشارات سروش، تهران.
- اهدایی، بهمن. (۱۳۸۰). آمار تجربی عمومی. اهواز، انتشارات دانشگاه شهید چمران، چاپ پنجم.
- پورافکاری، نصراله. (۱۳۸۳). نزاع‌های جمعی محلی. مجموعه مقاله‌های اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران. دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- پورچیت‌ساز، محمد. (۱۳۸۲). مقایسه عوامل مؤثر در پرخاشگری دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی شهر یزد ناحیه ۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
- حسینی، سیدمهدی. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش گروهی هوش هیجانی (حل مسأله و کنترل خشم) بر سلامت روان جوانان مجرم زندان عادل آباد شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- خراطها، سعید و جاوید، نورمحمد. (۱۳۸۵). نزاع و درگیری در شهر. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، ۲(۷)، ۶۲-۲۹.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی ایران. نشر قطره، تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی اجتماعی جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. انتشارات آن، تهران.
- ضیال‌الدین تیرانی، فاطمه. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش مهارت گفتگو و مهارت مدیریت خشم در حل تعارضات زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۰). روانشناسی شخصیت. تهران: البرز.
- کلانتری، صمد، ربانی، رسول و صداقت، کامران. (۱۳۸۴). ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۵(۱۸)، ۶۲-۳۸.
- ملک محمدی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). نظریه‌های جرم‌شناسی. انتشارات بنیاد، تهران.
- میرفردی، اصغر و صادق‌نیا، آسیه. (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان بویراحمد». فصلنامه پژوهش‌های انتظامی اجتماعی، ۴(۱۱)، ۷۳-۴۱.
- وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر. (۱۳۹۰). مبانی جامعه‌شناسی. انتشارات بهینه.

- Side, K. (2014). "Canada, Re-assessing rural conflict: Rituals, symbols and Commemorations in the Moyle District, Northern Ireland", *Journal of Rural and community development, Memorial University*, 9(4), 102-127.
- Vowell, N., & Paul, R. (2007) "A Partial Test of an Integrative Control Model: Neighborhood Contexts, Social Control, Self- Control, and Youth Violent Behavior". *Western Criminology Review*, 8(2), 1-15.

